

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الدَّرْسُ الْخَامِسُ



فِي السُّوقِ

أَيْنَ ذَهَبْتِ؟ ذَهَبْتُ إِلَى السُّوقِ.

كجا رفتی؟ به بازار رفتم



فعل ماضى (١)

فى السّوق

المُعْجَم

التّمارين

بدانيم



وبلاگ

درباره پاورپوینت





با سلام و درود بر شما و آرزوی توفیق روز افزون ، امید است که این هدیه
ناقابل بتواند در راستای یادگیری و یاد دهی کمکی برای شما باشد.
لطفا قبل از استفاده حتما فونتها را از وبلاگ دریافت و نصب نمایید در
ضمن از آفیس ۲۰۱۰ یا ۲۰۱۳ به بالا استفاده نمایید تا از بهم ریختگی فونت
در پاورپوینت جلوگیری شود و هم افکتها و صوتهای خوب به نمایش در آید .
با تشکر .

داور گیتی نورددبیر دینی و عربی شهرستان سراب



Dawargiti2.mihanblog.com

هرواژه را با دقت گوش کنید و سپس تکرار کنید.

الْمُعْجَم

ك «مؤنث»	فُسْتَان	رَفَعَ	أَمَّ	
صَدِيقَتُكَ	قَرَأَ	سِرْوَال	تُفَّاح ، تُفَّاحَة	أَخَذَ
لِكِنْ	قَرَأَتْ «مذكر»	سُوق	ذَكَرَ	إِشْتَرَى
لِمَاذَا	قَرَأْتُ	شُكْرًا جَزِيلًا	ذَهَبَ	إِشْتَرَيْتُ
مَبْرُوك	قَمِيص	صَدِيقَاتِي «مؤنث»	ذَهَبْتُ	إِشْتَرَيْتَ «مذكر»
مَلَابِس	كَانَ ، كَانَتْ	عِبَاءَة	ذَهَبْتُ «مذكر»	إِشْتَرَيْتِ «مؤنث»
وَحَدَاكَ	كَتَبَ	عَلِمَ	ذَهَبْتُ «مؤنث»	أَصْدَقَائِي
وَحَدَاكِ	لَا فَرْقَ	غَسَلَ	رِسَالَة	أَكَلَ
			أَلْف	

أَخَذَ: گرفت ، برداشت	ذَهَبَ: رفت	عِبَاءَةٌ: چادر	لَا فَرْقَ: فرقی نیست
اِشْتَرَى: خرید	ذَهَبْتُ: رفتم	عَلَمَ: پرچم	لِكَ: ت ، - تو «مؤنث»
اِشْتَرَيْتُ: خریدم	ذَهَبْتُ: رفتی «مذکر»	غَسَلَ: شست	صَدِيقَتُكَ: دوستت (دوست تو)
اِشْتَرَيْتَ: خریدی «مذکر»	ذَهَبْتُ: رفتی «مؤنث»	فُسْتَانٌ: پیراهنِ زنانه	لِکِنُّ: ولی
اِشْتَرَيْتِ: خریدی «مؤنث»	رِسَالَةٌ: نامه	قَرَأَ: خواند	لِمَاذَا: چرا ، برای چه
أَصْدِقَائِي: دوستانم	رَفَعَ: بالا بُرد ، برداشت	قَرَأَتْ: خواندی «مذکر»	مَبْرُوكٌ: مبارک
أَكَلَ: خورد أَلْفٌ: هزار	سِرْوَالٌ: شلوار	قَرَأْتُ: خواندم	مَلَابِسٌ: لباس ها
أُمٌّ: یا	سُوقٌ: بازار	قَمِيصٌ: پیراهن	وَحَدَاكَ: تو به تنهایی (مذکر)
تُفَّاحٌ ، تُفَّاحَةٌ: سیب	شُكْرًا جَزِيلًا: بسیار متشکرم	كَانَ ، كَانَتْ: بود	وَحَدَاكَ: تو به تنهایی (مؤنث)
ذَكَرَ: یاد کرد	صَدِيقَاتِي: دوستانم «مؤنث»	كَتَبَ: نوشت	

فی السّوقِ در بازار



– **أَيْنَ ذَهَبْتِ يَا أُمَّ حَمِيدٍ؟ - ذَهَبْتُ إِلَى سَوْقِ النَّجْفِ.** **کجا رفتی مادر حمید؟** – **به بازار نجف رفتم**

– **هَلِ اشْتَرَيْتِ شَيْئًا؟ - نَعَمْ؛ اشْتَرَيْتُ مَلَابِسَ نِسَائِيَّةً.** **آیا چیزی خریدی؟** – **بله؛ لباس های زنانه خریدم.**

– **أَذَهَبْتِ وَحَدِّكِ؟ - لَا؛ ذَهَبْتُ مَعَ صَدِيقَاتِي.** **آیا تنهایی رفتی؟** – **نه با دوستانم رفتم.**

ادامه



برای دیدن ترجمه عبارات، روی عبارات یا آیکن گلبرگ کلیک کنید





في السوق

قیمت لباس ها چگونه بود؟ ارزان یا گران؟



كَيْفَ كَانَتْ قِيَمَةُ الْمَلَابِسِ؛ رَخِيصَةً أَمْ غَالِيَةً؟

مثل ایران؛ فرقی نداشت؛ اما خریدم.



- مِثْلَ إِيرَانَ؛ لَا فَرْقَ؛ لَكِنْ اشْتَرَيْتُ.

پس برای چه خریدی؟ - به خاطر هدیه خریدم.



- فَلِمَاذَا اشْتَرَيْتِ؟ - اشْتَرَيْتُ لِلْهَدِيَّةِ.

چه چیز خریدی؟ - پیراهن زنانه و چادر.



- مَاذَا اشْتَرَيْتِ؟ - فُسْتَانًا وَ عَبَاءَةً.

مبارک است؛ لباس های زیبایی است. در امان خدا.



مَبْرُوكٌ؛ مَلَابِسٌ جَمِيلَةٌ! فِي أَمَانِ اللَّهِ.

ادامه

بسیار متشکرم؛ به سلامت.



شُكْرًا جَزِيلًا؛ مَعَ السَّلَامَةِ.

برای دیدن ترجمه عبارات، روی عبارات یا آیکن گلبرگ کلیک کنید



راهنما





أَيْنَ ذَهَبْتَ يَا أَبَا حَمِيدٍ؟ - ذَهَبْتُ إِلَى سُوْقِ النَّجْفِ.

هَلِ اشْتَرَيْتَ شَيْئًا؟ - نَعَمْ؛ اشْتَرَيْتُ مَلَابِسَ رِجَالِيَّةً.
آیا چیزی خریدی؟ بله؛ لباس های زنانه خریدم.

أَذَهَبْتَ وَحْدَكَ؟ - لَا؛ ذَهَبْتُ مَعَ أَصْدِقَائِي.
آیا تنهایی رفتی؟ نه با دوستانم رفتم.

كَيْفَ كَانَتْ قِيَمَةُ الْمَلَابِسِ؛ رَخِيصَةً أَمْ غَالِيَةً؟
قیمت لباس ها چگونه بود؟ ارزان یا گران؟

مِثْلَ إِيرَانَ؛ لَا فَرْقَ؛ أَيْكُنْ اشْتَرَيْتُ مِثْلَ إِيرَانَ؛ لَا فَرْقَ؛ أَيْكُنْ اشْتَرَيْتُ
برای دیدن ترجمه، روی عبارات یا آیکن گلوب کلیک کنید

ادامه



فی السّوقِ در بازار

فی السّوقِ

فَلِمَاذَا اشْتَرَيْتَ؟ - اشْتَرَيْتُ لِلْهَدِيَّةِ.  **پس برای چه خریدی؟ - به خاطر هدیه خریدم.**

مَاذَا اشْتَرَيْتَ؟ - قَمِيصاً و سِرْوَالاً.  **چه چیز خریدی؟ - پیراهن زنانه و چادر.**

مَبْرُوكٌ؛ مَلَابِسٌ جَمِيلَةٌ! فِي أَمَانِ اللَّهِ.  **مبارک است؛ لباس های زیبایی است. در امان خدا.**

شُكْرًا جَزِيلًا؛ مَعَ السَّلَامَةِ  **بسیار متشکرم؛ به سلامت.**

برای دیدن ترجمه، روی عبارات یا آیکن گلبرگ کلیک کنید



راهنما

فعل ماضی (۱)



ماذا قَرَأْتَ؟
قَرَأْتُ أشعاراً.

چه چیز خواندی؟

شعرهایی را
خواندم.



ماذا أَكَلْتِ؟
أَكَلْتُ تَفَاحَةً.

چه چیز خوردی؟

سیب خوردم.

برای دیدن ترجمه، روی ستاره ها کلیک کنید

فعل ماضی بر زمان گذشته دلالت دارد؛ مانند: «رَفَعْتُ: دَهَبْتُ».

راهنما



بدانیم

با فعل ماضی در درس فارسی آشنا شده اید. **فعل ماضی** بر زمان گذشته دلالت دارد؛ مانند: «**رفتم** : **ذَهَبْتُ**». از درس پنجم تا پایان درس دهم با فعل ماضی آشنا می شوید. به جمله های فارسی و عربی زیر دقت کنید.

من انجام دادم

أَنَا فَعَلْتُ

أَوَّلُ شَخْصٍ مَفْرُودٍ

توانجام دادی

أَنْتِ فَعَلْتِ
أَنْتِ فَعَلْتِ

دَوِّمُ شَخْصٍ مَفْرُودٍ

ادامه





أَنْتِ قَرَأْتِ كِتَابًا عِلْمِيًّا

أَنْتَ أَخَذْتَ كِتَابًا مُفِيدًا

أَنَا رَفَعْتُ عَلَمَ إِيرَانَ

أَنَا كَتَبْتُ رِسَالَةً لِصَدِيقِي

تو یک کتاب خواندی

تو یک کتاب مفید برداشتی

من پرچم ایران بالا بردم

من نامه ای به دوستم نوشتم

راهنما

برای دیدن ترجمه، روی ستاره ها کلیک کنید

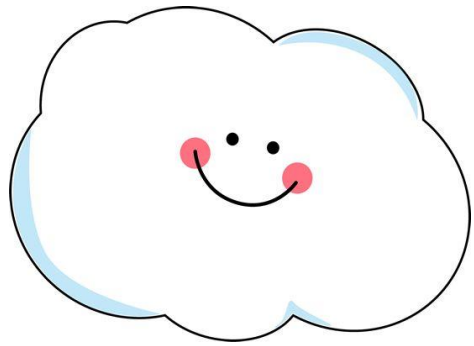


التمارين

التَّمرينُ الأوَّلُ

التَّمرينُ الثَّالثُ

التَّمرينُ الثَّانِي



التَّمْرِينُ الأَوَّلُ: جمله های زیر را ترجمه کنید؛ سپس زیر فعل های ماضی خط بکشید.

ای مسافر آیا به هتل رفتی : نه ؛ به بازار رفتم



۱. أَيُّهَا الْمُسَافِرُ أَذَهَبْتَ إِلَى الْفُنْدُقِ؟ - لا؛ ذَهَبْتُ إِلَى السُّوقِ.

چه چیز را شستی ؟ - لباسهای و لباسهای خانواده ام را شستم



۲. مَاذَا غَسَلْتَ؟ - غَسَلْتُ مَلَابِسِي وَ مَلَابِسَ أُسْرَتِي.

پیراهنت را از کجا گرفتی؟ - آن را از آنجا گرفتم



۳. مِنْ أَيْنَ أَخَذْتَ قَمِيصَكَ؟ - أَخَذْتُهُ مِنْ هُنَاكَ.

چه چیزی خریدی ؟ - پیراهنی زنانه و چادری خریدم



۴. مَاذَا اشْتَرَيْتَ؟ - اشْتَرَيْتُ فُسْتَانًا وَ عَبَاءَةً.

راهنما

برای دیدن ترجمه و شنیدن صوت عبارات ، روی گیره ها کلیک کنید و برای یافتن فعل ماضی روی کلمات کلیک نمائید



التَّمْرِينُ الثَّانِي: كزينة درست را انتخاب كنيد.



غَسَلْتُ غَسَلْتُ

۱. انا **غَسَلْتُ** مَلَابِسِي .

رَفَعْتُ رَفَعْتُ

۲. ا أنت **رَفَعْتُ** الْعَلَمَ؟

ذَكَرْتُ ذَكَرْتُ

۳. ا أنت **ذَكَرْتُ** صَدِيقَتَكَ .

أَخَذْتُ أَخَذْتُ

۴. ا أنت **أَخَذْتُ** هَدِيَّتَكَ؟

أَكَلْتُ أَكَلْتُ

۵. كم تُفَاخَةُ أَكَلْتُ؟ **أَكَلْتُ** تُفَاخَتَيْنِ .





التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ: جدول را با کلمات داده شده کامل کنید؛ سپس رمز را بنویسید.

ذَكَرْتُ - أَرْضٌ - غَسَلْتُ - تَفَاحٌ - رَفَعْتُ - جَدَّةٌ - قَمِيصٌ - عَبَاءَةٌ - رَخِيصٌ - رِسَالَةٌ - أَكَلْتُ - طُلَّابٌ - أَلْفَانِ

۱. دانشجویان ۲. دو هزار ۳. چادر ۴. نامه ۵. شستی ۶. بالا بردم ۷. خوردم ۸. پیراهن ۹. سیب ۱۰. یاد کردم ۱۱. ارزان ۱۲. زمین ۱۳. مادر بزرگ



ج	أ	ر	ذ	٩	٨	أ	ر	غ	ر	٣	٢	
د	ر	خ	ك	ت	ق	ك	ف	س	س	ع	أ	١
ة	ض	ي	ر	ف	م	ل	ع	ل	ا	ب	ل	ط
		ص	ت	ا	ي	ت	ت	ت	ل	ا	ف	ل
			ح	ص					ة	ء	ا	ا
										ة	ن	ب

رمز ←



رمز: **طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ**

رسول الله ﷺ
قاله وسأله

برای دیدن پاسخ، روی ستاره ها کلیک کنید





به پایان آمد این دفتر حکایت همچنان باقیست.
موفق و مؤید باشید